

## دستور زبان

### معنی

به نام خداوند آسمان (افلاک هفت‌گانه) و گردانندهٔ آن و به نام خداوندی که به ماه و ناهید و خورشید، نور و روشنایی بخشیده است.

**نکته:** در قدیم عقیده داشتند که زمین، ثابت و آسمان در حال گردش است. مصراع اول این بیت به این موضوع اشاره دارد.

**فروزنده:** صفت، به معنای روشن‌کننده، واژهٔ غیرساده (فروز + نَنده) از مصدر فروختن (کوتاه‌شدهٔ فروختن).

**گردان:** صفت، به معنای چرخنده، واژهٔ غیرساده. (گرد + ان) از مصدر گرداندن. در اصل «سپهرگردان» بوده است که جای موصوف و صفت عوض شده است.

## بیت ۴

به بینندگان، آفرینندگان را

نبینی، مرئجان دو بینندگان را

### واژه‌نامه

**بینندگان:** چشمان

**دو بیننده:** دو چشم

**آفریننده:** خداوند

**آرایه‌های ادبی**

**تلمیح:** این بیت به آیات قرآنی تلمیح دارد: ۱- سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۰۳: «لَا تُدْرِكُهُ الْبَصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْبَصَارَ؛ او را هیچ چشمی درک ننماید و او همهٔ دیدگان را مشاهده می‌کند.» ۲- سورهٔ اعراف، آیهٔ ۱۴۳: «قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ مِنْ أَشْكَارِ»

**تکرار:** بیننده، بیننده

### دستور زبان

**مرئجان:** فعل نهی از مصدر رنجاندن

### معنی

خداوند را با چشمانت نمی‌بینی (هرگز نخواهی دید)، پس چشمانت را اذیت نکن.

**مفهوم:** خداوند با چشم دیده نمی‌شود.

## بیت ۵

نیابد بدو نیز، اندیشه راه

که او برتر از نام‌وازا جایگاه

### واژه‌نامه

**راه نیافتن:** نشناختن

**که:** زیرا

**بدو:** به او

**آرایه‌های ادبی**

**واج آرایه (نغمه حروف):** تکرار حرف «ا» (۵ بار)

**کنایه:** «راه نیافتن» کنایه از ناتوانی و سردرگمی.

**دستور زبان**

**نیابد:** فعل منفی حال از مصدر یافتن

### معنی

اندیشهٔ انسان به ذات خداوند راه نمی‌یابد و او را نمی‌شناسد؛ زیرا خدا برتر از صفت‌ها و مکان‌ها است که انسان بتواند آن ذات را بشناسد.

**مفهوم:** ناتوانی از شناخت ذات خداوند نامحدود در محدود نمی‌گنجد.

**نکته:** در قرآن و روایات، بر این نکته بسیار تأکید شده است که انسان از شناخت ذات خداوند ناتوان است، اما شناخت صفت‌های خداوند در توان انسان است.

## بیت ۶

ستودن ندانند کس اورا چو هست

میان بندگی را بیایدت بست

### واژه‌نامه

**چو هست:** آن‌گونه که هست، به شکلی که هست

**ستودن:** ستایش کردن

**ندانند:** نمی‌تواند

**میان بستن:** آماده شدن و همت برای کاری

**آرایه‌های ادبی**

**جناس:** هست، بست (واژه‌هایی که از نظر معنا متفاوت، ولی از نظر ظاهر، متشابه و هم‌جنس هستند).

**کنایه:** «میان را بستن» کنایه از آماده شدن، تلاش کردن

### دستور زبان

**ندانند:** فعل منفی حال از مصدر دانستن

**بیایدت:** «ت» در این واژه، ضمیر پیوستهٔ شخصی است.

### معنی

ای انسان، خداوند را آن‌گونه که هست نمی‌توانی ستایش کنی، پس لازم است تو خداوند را اطاعت کنی. **مفهوم:** وظیفهٔ انسان، بندگی خداست. / ناتوانی انسان در ستایش خداوند



واژه‌نامه

ز: کوتاه شده «از»

برنا: جوان

هر که: هر کسی

آرایه‌های ادبی

تضاد: پیر، برنا

واج‌آرایی (نغمه حروف): تکرار حروف «ا، د» (هر کدام ۶ بار)

تکرار: بود، بود

دستور زبان

واژه‌های غیر ساده: توانا (توان + ا)، دانا (دان + ا)، دانش (دان + ش)

معنی

هر کس که دانا باشد، توانا نیز هست و دانش، دل پیر را جوان می‌کند.

(مفهوم: اهمیت دانش / زندگی‌بخشی علم و دانایی)

نکته: این بیت در بین فارسی‌زبانان به صورت ضرب‌المثل رواج یافته است.

مثنوی

قالب «مثنوی» برای بیان داستان‌های بلند، مناسب است. محتوای مثنوی گاهی حماسی و گاهی غنایی یا اجتماعی است. در مثنوی، هر بیت قافیه مستقل دارد؛ یعنی دو مصراع یک بیت، هم‌قافیه هستند.

از معروف‌ترین مثنوی‌های زبان فارسی می‌توان این آثار را نام برد:

۱. مثنوی معنوی مولوی ۲. شاهنامه فردوسی ۳. پنج‌گنج نظامی گنجوی ۴. بوستان سعدی ۵. منطق‌الطیر عطار نیشابوری

شیوه قرارگیری قافیه در مثنوی:



حکیم ابوالقاسم فردوسی توسه

فردوسی در روستای باژ، واقع در منطقه توس خراسان در سال ۳۲۹ هجری قمری به دنیا آمد. از نجیب‌زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه‌مذهب بود و دلبستگی‌اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن، مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر (ص) نشد. فردوسی ۲۵ تا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید و درحالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت، در سال ۴۱۱ هجری قمری درگذشت و در توس به خاک سپرده شد. فردوسی در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته‌ای دارد. تنها اثر فردوسی، همین شاهنامه است.

خودارزیابی

۱ معنی واژه‌های «کیوان، فروزنده، برنا»، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) سیاره زحل، برافرازنده، جوان
- (۲) سیاره مشتری، روشن‌کننده، پیر
- (۳) سیاره زحل، روشن‌کننده، جوان
- (۴) سیاره مریخ، فریادزننده، جوان

۲ قافیه‌های کدام بیت آرایه «جناس» دارند؟

- (۱) به بینندگان، آفریننده را
- (۲) ستودن نداند کس او را چو هست
- (۳) خداوند کیوان و گردان سپهر
- (۴) خداوند نام و خداوند جای
- نبینی، مرنجان دو بیننده را
- میان بندگی را بیایدت بست
- فروزنده ماه و ناهید و مهر
- خداوند روزی ده رهنمای



۳ واژه‌نمایان شده در بیت زیر، به چه عضوی از وجود انسان اشاره دارد؟

«به بینندگان، آفریننده را  
نبینی، مرجان دو بیننده را»

۴ واژه‌های «متضاد» را در بیت زیر بیابید و مشخص کنید.

«توانا بود هر که دانا بود  
ز دانش دل پیر برنا بود»

۵ برای هر یک از واژه‌های زیر مانند نمونه، دو واژه متناسب مثال بزنید تا آرایه «مراعات نظیر» ساخته شود.

نمونه: کیوان، سپهر، ماه، ناهید، مهر

برگ: ..... گل: .....

۶ مانند بیت زیبای فردوسی، برای دیگر بیت‌ها قافیه مناسب بسازید.

«به نام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد»

۷ در کدام بیت، نام یکی از قالب‌های شعری دیده نمی‌شود؟

- |                                  |                                |
|----------------------------------|--------------------------------|
| ۱) شد خروشان به دلخراش آواز      | غزل سینه‌سوز کرد آغاز          |
| ۲) بازم به جنون زد هوس طرح زمینی | کز نام سخن تازه کنم قطعه نگینی |
| ۳) گاهی از بهر دلی غمخواره       | سازی از نظم رباعی چاره         |
| ۴) شده به اهل سخن یار معنوی صائب | فتاده تا به ره طرز مولوی صائب  |

۸ همه بیت‌های زیر، به جز گزینۀ ..... ، در قالب «مثنوی» سروده شده‌اند.

- |                                   |                                  |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| ۱) گرچه می‌داد سر خویش به باد     | خنده می‌کرد و به پا می‌استاد     |
| ۲) درد بی‌عشقی ما دید و دریغش آمد | آتش شوق، درین جان شکباز زد و رفت |
| ۳) بهارا باش کاین خون گیل‌آلود    | برآرد سرخ‌گل چون آتش از دود      |
| ۴) صدای خون در آواز تذرو است      | دلا، این یادگار خون سرو است      |

۹ در کدام بیت به گرایش مذهبی حکیم فردوسی توسی اشاره شده است؟

- |                                 |                             |
|---------------------------------|-----------------------------|
| ۱) به گفتار پیغمبرت راه جوی     | دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی  |
| ۲) نگر تاندری به بازی جهان      | نه برگردی از نیک‌پی هم‌رهان |
| ۳) چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی | خداوند امر و خداوند نهی     |
| ۴) منم بنده اهل بیت نبی         | ستاینده خاک پای وصی         |

۱۰ کدام بیت به تاریخ پایان یافتن سرایش شاهنامه فردوسی اشاره دارد؟

- |                                  |                             |
|----------------------------------|-----------------------------|
| ۱) من این نامه فرخ گرفتم به فال  | بسی رنج بردم به بسیار سال   |
| ۲) سرآمد کنون قصه یزدگرد         | به ماه سفندارمزد روز اِرد   |
| ۳) چو بگذشت سال از برم شصت و پنج | فزون کردم اندیشه درد و رنج  |
| ۴) گذشته بر او سالیان شش‌هزار    | گر ایدون که پرسش نماید شمار |



دیدهای نیست نبیند رخ زیبای تو را / نیست گوش که همی نشنود آوای تو را

امام خمینی (ره)

### واژه‌نامه

دیده: چشم

رخ: چهره، صورت

آوا: صدا، آواز

نیست: وجود ندارد

### آرایه‌های ادبی

مراعات نظیر: دیده، رخ، گوش - گوش، آوا

### دستور زبان

رخ زیبا: چهره زیبا (ترکیب وصفی)

همی نشنود: نمی‌شنود (کاربرد قدیمی فعل با پیشوند «همی»)

### معنی

هیچ چشمی نیست که چهره زیبای تو را نبیند و هیچ گوش‌ی وجود ندارد که صدای تو را نشنود.

(مفهوم: خداوند از طریق آثار و نشانه‌هایش قابل شناخت است.)



### امام خمینه (ره)

امام خمینی (ره) در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در «خمین» به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاه خود آموخت و علوم اسلامی را نزد استادانی چون حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی فرا گرفت. امام در سال ۱۳۴۱ مبارزه خود را در مقابل شاه و بیگانگان آغاز کرد و در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و زندانی و سپس به ترکیه و نجف تبعید شد. ایشان تا سال ۱۳۵۷ در حوزه علمیه نجف به تدریس، تألیف کتاب و مبارزه با شاه و کشورهای استعمارگر پرداخت. در همین سال انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانید. امام خمینی سرانجام در شب ۱۴ خردادماه ۱۳۶۸ درگذشت.

### خودارزیابی

۱ بیت «دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را / نیست گوش که همی نشنود آوای تو را»، با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| ۱) طالب بی‌خبری باش که در دشت طلب      | رفتن از خویش سراغ همه‌کس می‌گیرید   |
| ۲) کم شناسم عشق را، این کار چیست؟      | ذوق دیدار است، پس دیدار چیست؟       |
| ۳) همه‌کس طالب یارند چه هشیار و چه مست | همه‌جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت |
| ۴) عقل باشد ز عشق بیگانه               | آشنا یار آشنا جوید                  |

۲ نقش اجزای مشخص شده بیت زیر را معلوم کنید.

دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را / نیست گوش‌گی که همی نشنود آوای تو را

## بیت ۱

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

## واژه‌نامه

بامداد: صبح زود، پیش از طلوع آفتاب

لیل: شب

نهار: روز

خوش: مطبوع، دلپسند، زیبا

دامن: حاشیه و کناره چیزی

تفاوت نکند: یکسان است

بهار: منظور گل و گیاه بهاری است.

## آرایه‌های ادبی

جناس: نهار، بهار

تضاد: لیل، نهار

## معنی

در صبح روز اول بهار که طول روز و شب آن یکسان است، گشت و گذار در دشت و نگاه کردن به زیبایی‌های بهار، بسیار دلپسند و مطبوع است. (مفهوم: لذت بردن از زیبایی‌های آفرینش)

**نکته:** در روز اول بهار، طول روز و شب یکسان است و در ابتدای پاییز نیز همین اتفاق تکرار می‌شود.

## بیت ۲

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

دل ندارد که خداوند اقرار

## واژه‌نامه

آفرینش: خلقت، مخلوقات، هستی

تنبیه: آگاه کردن، هوشیار ساختن

خداوند دل: انسان عارف و صاحب‌دل، انسان آگاه

خداوند: در مصراع اول به معنای صاحب و مالک است، اما در مصراع

دوم به معنی آفریدگار، خالق هستی

اقرار: پذیرفتن

که: کسی که

## آرایه‌های ادبی

جناس: خداوند: ۱. انسان عارف (مصراع اول) ۲. خالق جهان، آفریدگار

(مصراع دوم)

تکرار: خداوند، دل، ندارد

## دستور زبان

آفرینش: واژه غیرساده (آفرین + ش)

که: ضمیر مبهم است.

## معنی

تمام آفریده‌ها، نشانه‌هایی برای آگاه کردن صاحب‌دلان و کسی که به وجود خداوند اعتراف نمی‌کند، از درک و صاحب‌دل نیست.

(مفهوم: جهان هستی نشانه وجود خداوند است.)

## بیت ۳

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

## واژه‌نامه

نقش: تصویر، شکل، نقاشی

عجب: عجیب، حیرت‌انگیز

نقش عجب: پدیده‌ها، آفریده‌ها

وجود: عالم هستی

هر که: هر کس

فکرت: اندیشه، تفکر

## آرایه‌های ادبی

مراعات نظیر: در، دیوار

**تشبیه:** «در و دیوار وجود» یعنی دنیا به خانه‌ای تشبیه شده که در و دیوار دارد. «نقش بود بر دیوار» یعنی انسان بی‌تفکر به نقش و تصویر بی‌جان و بی‌ارزش روی دیوار تشبیه شده است.

**کنایه:** «نقش بر دیوار بودن»، کنایه از بی‌ارزش و بی‌بها بودن

جناس: بر، در

تکرار: نقش، دیوار





معنی

با وجود این همه پدیده‌های گوناگون در عالم هستی، هرکس در آن‌ها و خالق عالم تفکر نکند، هم‌چون نقاشی روی دیوار، بی‌احساس و بی‌ارزش است.

(مفهوم: ارزش انسان به تفکر و اندیشیدن است.)

نکته: (۱) حرف «ت» در «فکرت»، ضمیر پیوسته نیست و جزئی از

خود کلمه است.

(۲) در زمان‌های قدیم، نقاشی بر روی دیوارها مرسوم بوده و جزئی از معماری به حساب می‌رفته است.

بیت ۴

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند

واژه‌نامه

تسبیح: نیایش کردن، خدا را به پاکی یاد کردن

مستمع: شنونده

فهم‌کند: درک کند، بفهمد

اسرار: رازها، نهانی‌ها، جمع سر

آرایه‌های ادبی

مراعات نظیر: کوه، دریا، درختان

تلمیح: به آیه ۴۴ سوره اسراء اشاره دارد که می‌فرماید: «تسبیح له السموات السبع و الأرض و من فیهنّ؛ هفت آسمان و هرچه در آن است؛ همه به ستایش و تنزیه خداوند مشغولند ...»

بیت ۵

خبرت هست که مرغان سحری گویند:

واژه‌نامه

خبرت هست: آیا تو خبر داری، آیا آگاهی؟

خفته: خوابیده، در این‌جا منظور «انسان غافل و بی‌خبر» است.

جهالت: نادانی، بی‌خبری

مرغ سحر: بلبل

آرایه‌های ادبی

جناس: سحر، سر

تشبیه: «خواب جهالت» نادانی و بی‌خبری به خواب تشبیه شده است.

بیت ۶

تاکی آخر چونفشه، سر غفلت در پیش؟

واژه‌نامه

بنفشه: نام گلی است که سر آن، حالتی خمیده دارد.

غفلت: بی‌خبری

حیف: افسوس، دریغ

نرگس: نام گلی است که شکوفه آن شبیه چشم است.

بیدار: در این‌جا به معنی «غافل و بی‌خبر» است.

آرایه‌های ادبی

تشبیه: انسان غافل به بنفشه تشبیه شده که به علت سر خمیده

نه همه مستمعی فهم‌کنند این اسرار

تشخیص: جان‌بخشی به کوه و دریا و درختان

دستور زبان

«نه همه مستمعی فهم‌کند» نوعی شیوه نگارش تاریخی مربوط به قرن هفتم است که در آن نون منفی از ابتدای فعل جدا می‌شده است: «همه مستمعی فهم‌نکند»

معنی

تمام موجودات و آفریده‌ها به ستایش و ذکر خداوند مشغولند، اما هر شنونده‌ای نمی‌تواند این تسبیحات و رازهای آن را دریابد.

(مفهوم: تسبیح‌گویی همه موجودات)

آخرای خفته، سراز خواب جهالت بردار؟

مراعات نظیر: خفته، خواب، سحر

تشخیص: جان‌بخشی به مرغان سحر

دستور زبان

«آخر» شبه‌جمله است که برای شکایت و ... به کار می‌رود.

معنی

ای انسان غافل و بی‌خبر، آیا می‌دانی که مرغان سحر با آوازخوانی خود به تو هشدار می‌دهند که از خواب نادانی بیدار شوی؟

(مفهوم: تمام آفریده‌ها، نشانه‌هایی برای آگاه کردن انسان هستند.)

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

داشتن، انسان ناآگاه را تداعی می‌کند. انسان آگاه به گل نرگس تشبیه شده که به علت سری که مانند چشم است، انسان آگاه را تداعی می‌کند.

تضاد: خواب، بیدار

کنایه: «سر غفلت در پیش داشتن» کنایه از نادانی و بی‌خبری

تشخیص: نادانی به بنفشه و بیداری به نرگس نسبت داده شده است.

معنی

[ای انسان] تاکی می‌خواهی مانند بنفشه در نادانی به سر ببری؟ جای تأسف است که تو در غفلت باشی و گل نرگس هشیار باشد.

## بیت ۷

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟

یا که داند که بر آرد گل صد برگ از خار؟

واژه‌نامه

که: چه کسی

الوان: جمع «لون» به معنی رنگ، در این جا به معنی «رنگارنگ» آمده است.

داند: می تواند

گل صد برگ: گلی که برگ‌های بسیار داشته باشد.

خار: تیغ

بر آرد: برویاند

چوب: منظور درخت است.

آرایه‌های ادبی

جناس: که (چه کسی)، که (حرف ربط و علت است).

تضاد: گل، خار

دستور زبان

کل صد برگ: ترکیب وصفی

پرسش انکاری: هر دو مصراع سؤالی را مطرح می‌کند که خود شاعر

منتظر پاسخ نیست.

معنی

هیچ‌کس نمی‌تواند از چوب درختان میوه‌های رنگارنگ بیافریند و

هیچ‌کس نمی‌تواند که از خار، گل صد برگ به وجود آورد.

(مفهوم: اثبات توانایی خداوند و ناتوانی آفریده‌ها)

## بیت ۸

عقل، حیران شود از خوشه زَرین عنب

فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

واژه‌نامه

حیران: سرگردان، حیرت‌زده

زَرین: طلایی

عنب: انگور

فهم: درک، علم و دانش

عاجز: ناتوان، درمانده

حقه: جعبه، ظرف کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر را نگهداری می‌کرده‌اند.

یاقوت: نوعی سنگ معدنی گران‌بها به رنگ قرمز

آرایه‌های ادبی

تشبیه: انار و دانه‌های سرخ آن به جعبه جواهرات تشبیه شده است.

تشخیص: حیران و عاجز شدن، دو ویژگی انسانی است که به ترتیب، به عقل و فهم نسبت داده شده است.

مراعات نظیر: عنب، انار

معنی

عقل با دیدن خوشه طلایی انگور، حیرت‌زده می‌شود و فهم انسان با دیدن انار یاقوت‌مانند، ناتوان می‌شود.

(مفهوم: عقل و درک انسان در مقابل درک توانایی آفرینش پروردگار، ضعیف و ناتوان است.)

## بیت ۹

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز

ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

واژه‌نامه

تقدیر: فرمان خداوند، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده است.

عزیز: گرمی، ارجمند

مسخر: رام، مطیع

لیل: شب

نهار: روز

آرایه‌های ادبی

مراعات نظیر: ماه و خورشید، ماه و لیل، خورشید و نهار

تضاد: لیل، نهار

تلمیح: «خدای پاک» اشاره به ذکر «سبحان الله» دارد. به آیه ۶۴ سوره حج نیز اشاره دارد: «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...؛ هر چه در آسمان‌ها و زمین است ...»

دستور زبان

پاک و بی‌عیب خدا: موصوف و صفت است که به صورت مقلوب (برعکس) آمده است؛ یعنی «خداوند پاک و بی‌عیب».

معنی

پروردگار، آن خدایی است که پاک و منزّه از عیب و نقص است و گردش ماه و خورشید و آمدورفت روز و شب، به فرمان اوست. (سرنوشت را خداوند معین می‌کند.) (مفهوم: تمام امور دنیا در دست قدرت خداوند است.)





## بیت ۱۰

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او

### واژه‌نامه

**قیامت:** روز برانگیخته شدن مردگان پس از مرگ

**اندر:** کاربرد قدیمی «در»

**کرم:** بخشنده‌گی

**رحمت:** مهربانی و دلسوزی

**گفته نیاید:** گفته نمی‌شود

**ز:** مخفف «از»

همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

**یکی از هزار:** معادل امروزی آن «یک‌هزارم» است.

### آرایه‌های ادبی

**تضاد:** همه، یکی - یکی، هزار

### معنی

اگر همه تا روز قیامت هم از بخشش و بزرگواری خداوند سپاسگزاری کنند، یک‌هزارم نعمت‌های او را سپاسگزاری نکرده‌اند.

**(مفهوم):** بی‌شماری نعمت‌های خداوند و ناتوانی بشر از سپاس آن‌ها

## بیت ۱۱

نعمت بار خدایا، ز عدد بیرون است

### واژه‌نامه

**بار خدایا:** ای خدای بزرگ (بار: بزرگ، بزرگوار)

**ز:** مخفف «از»

**عدد:** شمارش

**إنعام:** جمع نعمت

### آرایه‌های ادبی

**کنایه:** «از عدد بیرون بودن» کنایه از بی‌شمار و زیاد بودن چیزی

**مراعات نظیر:** شکر، نعمت، شکرگزار

شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار

### دستور زبان

**بار خدا (بزرگ خدا ← خدای بزرگ):** موصوف و صفت که جای آن‌ها عوض شده است.

**شکرگزار:** صفتی است که در معنی نهاد؛ یعنی «شکرگزارنده» بیان شده است.

### معنی

ای خداوند بزرگ، نعمت‌های تو از شمارش خارج است و انسان شکرگزار هرگز نمی‌تواند شکر نعمت‌های تو را به جا بیاورد.

## بیت ۱۲

سعدیا، راست روان گوی سعادت بردند

### واژه‌نامه

**راست‌روان:** انسان‌های درستکار

**گوی:** گردی، گوی چوگان بازی

**سعادت:** خوشبختی

**راستی:** صحت و درستی

**منزل:** در این جا یعنی مقصد و هدف

**کج رفتار:** انسان بدکار

### آرایه‌های ادبی

**تضاد:** راست‌رو، کج رفتار

راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

**کنایه:** «گوی سعادت بردن» کنایه از پیروز و موفق شدن

**تشبیه:** «گوی سعادت»، سعادت به گوی تشبیه شده است.

### دستور زبان

**«نرسد»** فعل مضارع است که در معنای «نخواهد رسید» و زمان «آینده» به کار رفته تا حتمی بودن سخن خود را به خواننده برساند.

### معنی

ای سعدی، انسان‌های درستکار به پیروزی و موفقیت می‌رسند، پس تو هم درستی و نیک‌رفتاری را پیشه کن که انسان بدکار به مقصد نخواهد رسید.

## سعدی

مشرف‌الدین مصلح‌بن‌عبدالله شیرازی شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. (تولد ۶۰۶ هجری قمری و درگذشته به سال ۶۹۰ هجری قمری) سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ هجری بوستان را به نظم درآورد و در سال ۶۵۶ هجری گلستان را نوشت. وی علاوه بر بوستان و گلستان، قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی نیز دارد که همه را در «کلیات» جمع کرده‌اند. کلیات سعدی: به مجموعه آثار سعدی که شامل گلستان، بوستان، غزلیات، قطعات، قصاید و ... است و در یک جلد کتاب گرد آمده است، «کلیات» می‌گویند.



۱ مصراع «بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار» به چه زمانی اشاره دارد؟

۲ برای واژه‌های زیر دو هم‌خانواده بنویسید.

متفکر: .....

غفلت: .....

عاجز: .....

سعادت: .....

۳ از متن درس اول، چهار واژه غیرساده بیابید و مانند نمونه به اجزای سازنده تقسیم کنید.

نمونه: آفرینش: آفرین + ـش

(۱) : .....

(۲) : .....

(۳) : .....

(۴) : .....

۴ «گزار» در واژه «شکرگزار» از چه مصدری ساخته شده است؟ با توجه به آن، جدول زیر را کامل کنید.

واژه	مصدر	بن ماضی	بن مضارع
شکرگزار			

۵ واژه «که» در بیت زیر در چه معناهایی به‌کار رفته است؟ بنویسید.

«که تواند که دهد میوه‌ الوان از چوب؟  
یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟»

.....

۶ جمع مکسر واژه‌های زیر را بنویسید.

لیل: .....

عدد: .....

۷ در بیت زیر، واژه‌های متضاد را بیابید و بنویسید.

«تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟  
حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار»

۸ در بیت زیر، واژه‌هایی که آرایه ادبی «مراعات‌نظیر» ساخته‌اند، بیابید و بنویسید.

«پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز  
ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار»

۹ کدام واژه درون کمانک، برای جای خالی عبارتهای زیر مناسب است؟

- (۱) که تواند که دهد میوه‌ الوان از چوب؟  
(۲) نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است
- یا که داند که برآرد گل صدبرگ از .....؟  
شکر انعام تو هرگز نکند .....
- (خوار، خار)  
(شکرگزار، شکرگذار)



۱۰ در کدام بیت به محل تحصیل سعدی اشاره شده است؟

- |                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| ۱) به درس معرفت استاد تعلیم  | ولایت را کند بر چار تقسیم   |
| ۲) در خراسان و در عراق همی   | عاشقان‌اند بر هنر همگان     |
| ۳) مرا در نظامیه ادرار بود   | شب و روز، تلقین و تکرار بود |
| ۴) چند ز شیراز و ز رومم، دگر | رخت به روم آور و شیراز من   |

۱۱ سعدی در کدام گزینه خواننده را به بهره‌گرفتن از کتاب «گلستان» دعوت می‌کند؟

- |   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| ۱) بر گلستان گزرم بی تو و شرمم ناید       | در ریاحین نگرم، بی تو و یارا دارم   |
| ۲) آه اگر وقتی چو گل در بوستان یا چون سمن | در گلستان یا چو نیلوفر در آبت دیدمی |
| ۳) به چه کار آیدت ز گل طبقی               | از گلستان من ببر ورقی               |
| ۴) بر شما باد که چون باغ بهار آرید        | روی چون تازه گلستان مرا یاد آرید    |

## قصیده

این قالب شعری از قرن سوم هجری و به تقلید از شعر عربی به شعر فارسی راه یافت. تعداد ابیات آن از پانزده بیت بیشتر است. محتوای قصیده معمولاً مدح، هجو، پند و اندرز، مسائل اجتماعی، اخلاقی، تعلیمی و ... است. بیت نخست قصیده مانند غزل «مطلع» نامیده می‌شود. رودکی، ناصرخسرو، منوچهری، فرّخی سیستانی، مسعود سعد سلمان، سعدی، خاقانی، انوری، ملک‌الشعراى بهار و ... از قصیده‌سرایان مشهور زبان فارسی هستند. در قصیده، مانند غزل، مصراع اول و مصراع‌های زوج هم‌قافیه هستند. شیوه فرارگیری قافیه در قصیده:

◆ _____	◆ _____
◆ _____	_____
◆ _____	_____
◆ _____	_____
◆ _____	_____

## تشبیه

**تشبیه:** مانند کردن چیزی به چیز دیگر است، به شرط این‌که:

- ۱- صفت مشترک در چیزی که به آن تشبیه می‌کنند، بسیار قوی‌تر و زیباتر از چیزی باشد که تشبیه می‌شود.
- ۲- تشبیه واقعی نباشد؛ یعنی بر پایه اغراق و تخیل باشد.

**مثال:** گیسوان او چون آبشار طلائی می‌درخشید.

**نکته:** هیچ‌گاه، گیسوان انسان مانند آبشار نیست، اما شاعر و نویسنده، با قدرت بیان خود، این امر را ادعا می‌کند.

**اجزای تشبیه:** هر تشبیه چهار رکن دارد:

- ۱- **رکن اول (مشبّه):** چیزی که به چیز دیگر تشبیه می‌شود.
- ۲- **رکن دوم (مشبّه‌به):** چیزی که مشبّه را به آن تشبیه می‌کنند.
- ۳- **رکن سوم (وجه‌شبهه):** ویژگی مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است.
- ۴- **رکن چهارم (ادات تشبیه):** کلمه‌هایی مانند: «مثل، چون، همچون، همچو، مانند، به‌سان، چو و ...» هستند که مشبّه و مشبّه‌به را به هم پیوند می‌دهند.



**مثال:** گیسوان او چون آبشار طلایی می درخشند.

رکن اول (مشبه)	رکن چهارم (ادات تشبیه)	رکن دوم (مشبه به)	رکن سوم (وجه شبه)
-------------------	---------------------------	----------------------	----------------------

**مثال:** از هم نشینی با بدان پرهیز کن که هم چون شمشیر برهنه، ظاهرش زیبا و اثرش زشت است.

رکن اول (مشبه)	رکن چهارم (ادات تشبیه)	رکن دوم (مشبه به)	رکن سوم (وجه شبه)
-------------------	---------------------------	----------------------	----------------------

**نکته:** گاهی تشبیه‌ها به صورت ترکیب اضافی می آیند که به آن «اضافه تشبیهی» می‌گوییم.

**مثال:**

ای دل ار سیل فنا، بنیاد هستی بر کند چون تورانوح است کشتیان، ز توفان، غم مخور

(اضافه تشبیهی): شاعر، فنا را به سیل تشبیه کرده است.

## جان بخشی (تشخیص)

نویسندگان و شاعران برای تأثیر بیشتر سخن خود و برای زیبایی آفرینی و ساده‌تر کردن مطلب، از زبان موجودات و اشیا سخن می‌گویند و کارهای انسانی را به آن‌ها نسبت می‌دهند.

**مثال:**

موجی به جنبش آمد و برخاست کوه ابری به بارش آمد و بگریست زار زار

شاعر، **برخاستن** را به کوه و **زار زار گریستن** را به ابر نسبت داده است.

## مراعات نظیر

شاعر در یک بیت، حداقل دو واژه می‌آورد که از نظر معنایی باهم تناسب دارند و در یک گروه قرار می‌گیرند.

**مثال:**

ز خاک من اگر گندم برآید از آن گرنان پزی مستی فزاید

واژه‌های **گندم**، **نان** تناسب دارند و در بیت آرایه **مراعات نظیر** ایجاد کرده‌اند.

## واژه شناسی

در زبان فارسی، گاهی با تغییر یک حرکت (واج یا صدا) در کلمه، معنی آن نیز کاملاً تغییر می‌کند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

آنعام: چارپایان / انعام: بخشش

ملک: پادشاه / ملک: فرشته

## خودرزیایی

۱ همه گزینده‌ها به جز گزینۀ ..... ، اولین بیت یک قصیده هستند.

- |                                   |                                      |
|-----------------------------------|--------------------------------------|
| رسیده بر سر «اللاکبر» شیراز       | ۱) خوشا سپیده‌دمی باشد آنکه بینم باز |
| دل به دنیا در نبندد هوشیار        | ۲) بس بگردید و بگردد روزگار          |
| کسی بهشت نگوید به بوستان ماند     | ۳) کدام باغ به دیدار دوستان ماند؟    |
| که اهل پارس به صدق و صلاح ممتازند | ۴) دعای صالح و صادق رقیب جان تو باد  |





۲ با توجه به درون‌مایه و محتوای قصیده، کدام بیت نمی‌تواند از یک قصیده برگزیده شده باشد؟

- ۱) سلطان بهرام‌شاه آن‌که به تأیید حق
  - ۲) عاشق آن‌گوش ندارد که نصیحت شنود
  - ۳) هزار هم‌چو سلیمان و ماهی و دد و دام
  - ۴) بقای مملکت اندر وجود یک شرط است
- هست به حق پاسبان خانه و جان ترا  
درد ما نیک نباشد به مداوای حکیم  
کف کریم تو هر روز میهمان گیرد  
که دست هیچ قوی بر ضعیف نگماری

۳ در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینه ..... ، آرایهٔ تشبیه دیده می‌شود.

- ۱) به ناله باز سپیدم، بسان فاخته شد
  - ۲) آن‌کنیزک از مرض چون موی شد
  - ۳) من چگونه هوش دارم پیش و پس
  - ۴) رقصان شده سرسبز مثال شجری
- به کوهسار چو سازم، تو نیز می‌دانی  
چشم‌شاه از اشک خون چون جوی شد  
چون نباشد نور یارم پیش و پس  
یا حاجب خورشید بسان سحری

۴ در کدام بیت آرایهٔ تشبیه دیده می‌شود؟

- ۱) چون خرید او را و برخوردار شد
  - ۲) کای‌کمینہ بخششت ملک جهان
  - ۳) حرف چبُود؟ تا تو اندیشی از آن
  - ۴) سایه زایل شود چو نور آمد
- آن‌کنیزک از قضا بیمار شد  
من چه گویم چون تو می‌دانی نهان  
حرف چبُود؟ خارِ دیوارِ رزان  
غیب بگریخت چون حضور آمد

۵ در مورد تفاوت معنایی واژه‌های «انعام» و «أنعام» تحقیق کنید و معنای آن‌ها را بنویسید.

انعام: ..... أنعام: .....

## حکایت سفر

روزی پیر ما با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ پس به همراهان گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟» می‌گوید: «معرفت این است که من در آنم، گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!»

### واژه‌نامه

**پیر:** رهبر، پیشوا، سال‌خورده

**پیر ما:** شیخ ابوسعید ابوالخیر، عارف پرآوازهٔ قرن چهارم و پنجم

**افسار:** لگام، دهنه

**درنگ:** توقف، تأخیر، مهلت، در این‌جا صبر و تأمل

**معرفت:** شناخت، علم و دانش

**در خود سفر می‌کنم:** به شناخت خود می‌پردازم

**هر چه نباید:** هر چه شایسته نیست

**گرد خویش می‌گردم:** در خود جست و جو می‌کنم.

**من در آنم:** من در آن هستم.

### آرایه‌های ادبی

**تشخیص:** در «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟» سخن گفتن به

آسیاب نسبت داده شده است.

**کنایه:** «در خود سفر کردن» کنایه از به ویژگی‌های خود اندیشیدن

### مفهوم حکایت

رسیدن به پاکی و دوری از بدی و کسب معرفت را باید از خود شروع کرد.

**نکته:** در اصطلاحات صوفیه، «سفر در خود» وجود دارد که انسان باید

ابتدا به شناخت خود پردازد تا بتواند خدا را بشناسد؛ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ

فَقَدَّ عَرَفَ رَبَّهُ؛ هرکس خود را بشناسد، خدا را شناخته است.

## اسرار التوحید

کتابی در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر است. این کتاب را محمدبن متور (یکی از نوادگان وی) نگاشته است.

### خودرزیایی

۱- معنای واژه‌های «پیر، افسار، درنگ، معرفت»، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) مرشد، زین، صبر، دوری  
(۲) راهنما، لگام، تأخیر، شناخت  
(۳) مرشد، دهنه، اندیشه، نزدیک  
(۴) راهنما، طناب، صدا، شناخت

۲- کدام واژه با گزینه‌های دیگر هم‌خانواده نیست؟

- (۱) معرفت (۲) عارف (۳) مرتفع (۴) عرفان

۳- مفهوم «در خود سفر می‌کنم»، در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) تنها به سفر می‌روم.  
(۲) تنها به سفر نمی‌روم.  
(۳) به شناخت خود می‌پردازم.  
(۴) به شناخت خدا می‌پردازم.

۴- «افسار اسب را کشید» به چه معناست؟

- (۱) اسب را گشت. (۲) اسب را به حرکت در آورد. (۳) اسب را به شتاب راند. (۴) اسب را نگاه داشت.

۵- مفهوم همه بیت‌های زیر، به جز بیت .....، به مفهوم حکایت «سفر» نزدیک است.

- (۱) هر که نقص خویش را دید و شناخت  
(۲) هر چه گویی در نصیحت ای پسر  
(۳) هر کس که خدانشناس و اهل نور است  
(۴) بعد از آن خود را شناس و اصل خویش  
(۱) اندر استکمال خود ده‌اسپه تاخت  
(۲) اولاً تو در درون خود نگر  
(۳) در هر چه نظر کند خدا منظور است  
(۴) گرچه پیداگشته‌ای پاک‌کیش

### بسته‌تستی ستایش و درس

۱- معنی واژه‌های «الوان، عنب، مستمع، لیل»، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) رنگ‌ها، انگور، گوینده، روز  
(۲) رنگ‌ها، انگور، شنونده، شب  
(۳) رنگ، انجیر، شنونده، نور  
(۴) رنگارنگ، انجیر، گوینده، تاریکی

۲- معنای کدام واژه نادرست است؟

- (۱) غفلت: بی‌خبری، ناآگاهی  
(۲) افسار: دهنه  
(۳) حقه: جعبه‌ای کوچک یا ظرفی کوچک  
(۴) حیران: خوش حال

۳- معنای چند واژه در مقابل آن، نادرست نوشته شده است؟

- کیوان (سیارهٔ مریخ)، ستودن (ستایش کردن)، برنا (میان سال)، نهار (روز)، تنبیه (آگاه ساختن)، یاقوت (گران قیمت)، گوی (پهلوانی)  
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۴- «ملکا» در بیت «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی» در کدام معنا آمده است؟

- (۱) ای فرشته (۲) ای سرزمین (۳) ای پادشاه (۴) ای دارایی‌ها

۵- املاي کدام واژه نادرست است؟

- (۱) نمازگزار (۲) سپاسگزار (۳) بنیان‌گزار (۴) شکرگزار





۶- در کدام بیت واژه‌ای از نظر املا نادرست نوشته شده است؟

- |                                       |                                      |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) من همچو خار و خاکم، تو آفتاب و ابر | ۲) آسان گل باغ مدعا نتوان چید        |
| ۳) سیم و زر در همه انظار گرمی شد      | ۴) بلبلی خون دلی خورد و گلی حاصل کرد |
- گل‌ها و لاله‌ها دهم ار تربیت کنی  
بی‌سرزنش خار جفا نتوان چید  
لیک اندر نظر پاک تو خار آید  
باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد

۷- نویسنده «کارنامه بلخ»، نویسنده کدام یک از آثار زیر است؟

- |                  |                  |             |                 |
|------------------|------------------|-------------|-----------------|
| ۱) حدیقة الحقیقه | ۲) اسرار التوحید | ۳) التّفهیم | ۴) کیمیای سعادت |
|------------------|------------------|-------------|-----------------|

۸- کدام گزینه جمع مکسر نیست؟

- |          |          |           |          |
|----------|----------|-----------|----------|
| ۱) الوان | ۲) مواعظ | ۳) بامداد | ۴) اسرار |
|----------|----------|-----------|----------|

۹- نهاد در عبارت «نعمتت بار خدایا ز عدد بیرون است»، در کدام گزینه آمده است؟

- |         |          |          |        |
|---------|----------|----------|--------|
| ۱) نعمت | ۲) خدایا | ۳) بیرون | ۴) عدد |
|---------|----------|----------|--------|

۱۰- در متن زیر، چند «مفعول» می‌بینید؟

«این آسیاب چه می‌گوید؟، می‌گوید: معرفت این است که من در آنم. گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هر چه نباید از خود دور کنم.»

- |       |       |         |        |
|-------|-------|---------|--------|
| ۱) دو | ۲) سه | ۳) چهار | ۴) پنج |
|-------|-------|---------|--------|

۱۱- در متن زیر، هسته گروه مفعول کدام واژه است؟

«روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ پس به همراهان گفت ...»

- |        |            |          |        |
|--------|------------|----------|--------|
| ۱) پیر | ۲) همراهان | ۳) افسار | ۴) اسب |
|--------|------------|----------|--------|

۱۲- بیت کدام گزینه از نظر قالب شعری با «شاهنامه» حکیم توس، همسان نیست؟

- |                            |                                   |
|----------------------------|-----------------------------------|
| ۱) نسیم صبحدم گو نرم برخیز | ۲) گویی همه غم‌های جهان امشب      |
| ۳) بهارا بنگر این دشت مشوش | ۴) مرا چون رعد و طوفان، خشمگین کن |
- گل از خواب زمستانی برانگیز  
در زاری این بارش یکریز است  
که می‌بارد بر آن باران آتش  
جهان از بانگ خشم، پُرتین کن

۱۳- کدام گزینه در مورد واژه‌های «نهار، بهار» در بیت زیر صحیح است؟

- |                  |                |                 |                 |
|------------------|----------------|-----------------|-----------------|
| ۱) تکرار و قافیه | ۲) جناس و ردیف | ۳) جناس و قافیه | ۴) قافیه و ردیف |
|------------------|----------------|-----------------|-----------------|
- «بامدادی که تفاوت نکند لیل و بهار  
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار»

۱۴- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ..... ، آرایه «تشبیه» دیده می‌شود.

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| ۱) بسان ابر آذاری خروشان                   | ۲) چو شد زهر عادت مضرت نبخشد        |
| ۳) عود اندر عید می‌سوزند و من نالان چو عود | ۴) تاکه چو زر زرد شد، رنگ رخ یاسمین |
- ز کوه آمد فروآشفته اکوان  
به مرگ آشنا کن به تدریج جان را  
بی‌بتی کز خال هندو ره زند اسلام را  
صیرفی آسمان سگه به دینار زد

۱۵- تشبیه همه بیت‌های زیر، به جز بیت ..... ، بدون «ادات تشبیه» به کار رفته است.

- |                                    |                                       |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید | ۲) این نان و آب چرخ چو سیل است بی‌وفا |
| ۳) باغ جان را تاز و سرسبز دار      | ۴) چشمه خورشید تویی، سایه‌گه بید منم  |
- فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان  
من ماهی‌ام نهنگم عمانم آرزوست  
قصد این مستان و این بستان مکن  
چون که زدی بر سر من، پست و گدازنده شدم

۱۶- «وجه‌شبهه» در کدام بیت نادرست نوشته شده است؟

- ۱) گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه
- ۲) از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست
- ۳) این‌که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را
- ۴) باغ جان را تازه و سرسبز دار

۱۷- در کدام بیت آرایه «جان‌بخشی» به‌کار رفته است؟

- ۱) چو کوبی پای و چون گیری پیاله
- ۲) گل بخندید و باغ شد پدرام
- ۳) ناگهان در کوچه دیدم بی‌وفای خویش را
- ۴) مرا برف باریده بر پر زاغ

۱۸- در کدام بیت بیشترین آرایه «تشبیه» دیده می‌شود؟

- ۱) این عمر به ابر نوبهاران ماند
- ۲) چون سایه مرغان هوا در سفر خاک
- ۳) چو آن نخلم که بارش خورده باشند
- ۴) تو سرو جویباری تو لاله بهاری

۱۹- در عبارت «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده»، کدام گزینه «مشبهه» است؟

- ۱) فراش
- ۲) باد صبا
- ۳) فرش زمردین
- ۴) بگسترده

۲۰- «مشبهه» در مقابل کدام بیت نادرست نوشته شده است؟

- ۱) سعدیا گر بکند سیل فنا، خانه عمر
- ۲) به چمن خرام و بنگر بر تخت گل که لاله
- ۳) زلف بر روی تو یا آن‌که بر آتش دود است
- ۴) میان‌گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس

۲۱- در کدام گزینه «ادات تشبیه» نادرست نوشته شده است؟

- ۱) سایه خواب آرد تو را همچون سمر
- ۲) دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد
- ۳) آن‌که لرزد همچو مرغ نیم بصل صبح و شام
- ۴) به‌سان سوسن اگر ده‌زبان شود حافظ

۲۲- در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه ..... ، آرایه «مراعات‌نظیر» دیده می‌شود.

- ۱) دردا که از آن آهوی مشکین سیه‌چشم
- ۲) آن قیام و آن رکوع و آن سجود
- ۳) خوش‌باد سال و ماه و شب و روز می‌فروش
- ۴) در کره خاک به جز خاک نیست

۲۳- در کدام بیت آرایه‌های «تشبیه، جان‌بخشی، مراعات‌نظیر» دیده می‌شود؟

- ۱) تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش
- ۲) که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟
- ۳) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
- ۴) پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز

- یا هر چه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن (تحمل کردن)
- کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر (چکیدن)
- روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع (روشنی دادن)
- قصد این مستان و این بستان مکن (قصد کردن)

تننت از لطف گردد همچو جانت  
ای خوشا این جهان بدین هنگام  
باز گم کردم ز شادی دست و پای خویش را  
نشاید چو بلبل تماشای باغ

این دیده به سیل کوهساران ماند  
آزار به موری نرساندیم و گذشتیم  
چو آن ویران که گنجش برده باشند  
تو یار غمگساری تو حور دلربایی

- ۱) دل قوی‌دار که بنیاد بقا محکم از اوست (سیل)
- ۲) به ندیم شاه ماند که به کف ایام دارد (ندیم شاه)
- ۳) ای بسا دیده‌کزین دود سرشک‌آلود است (زلف)
- ۴) زبان آتشینم هست لیکن در نمی‌گیرد (شمع)

- ۱) چون برآید شمس انشقق‌القمر (چون)
- ۲) که چو سرو پای‌بند است و چو لاله داغ دارد (چو)
- ۳) در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس (همچو)
- ۴) چو غنچه پیش تواش مهر بر دهان باشد (به‌سان)

چون نافه بسی خون دل‌م در جگر افتاد  
از درختان بس شگفتم می‌نمود  
کز یک پیاله برد ز من صبر و عقل و هوش  
خاک از آرایش خود پاک نیست

- ۱) حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
- ۲) یا که داند که برآرد گل صبرگ از خار؟
- ۳) خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
- ۴) ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار





## ۲۴- کدام بیت با سایر ابیات مفهوم مشترکی ندارد؟

- ۱) کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
- ۲) این درختانند همچون خاکیان
- ۳) نه فقط ما و شما اهل عبادت هستیم
- ۴) یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه

## ۲۵- مفهوم بیت «که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ / یا که داند که بر آرد گل صدبرگ از خار؟» با کدام بیت تناسب دارد؟

- ۱) چو شاخ برهنه برآریم دست
- ۲) شاخ که با میوه‌هاست سنگ به پا می‌خورد
- ۳) عقل‌ها حیران شود کز خاک تاریک نزند
- ۴) تاکی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش

## ۲۶- مفهوم عبارت «ما أَكثَرَ الْعَبْرِ و أَقَلَّ الْعَبْتَارِ»، با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- ۱) سعدیا راست‌زوان، گوی سعادت بردند
- ۲) این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
- ۳) بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
- ۴) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

## ۲۷- عبارت «پس نمی‌بینی که حکیم علیم در هر امری، آنچه به عمل آورده، همه موافق حکمت است و راه خطا در آن نیست؟»

یادآور کدام بیت است؟

- ۱) نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است
- ۲) پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز
- ۳) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- ۴) این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود

## ۲۸- بیت زیر با کدام گزینه، قرابت مفهومی دارد؟

«نیابد بدو نیز اندیشه راه

- ۱) کاش با اندیشه هستی نمی‌پرداختیم
- ۲) عقل و جان را گرد ذات راه نیست
- ۳) هر که دلارام دید از دلش آرام رفت
- ۴) من مفلس از آن روز شدم کز حرم غیب

که او برتر از نام و از جایگاه»

- خواب دیگر شد غبار بینش از تعبیر خواب  
وز صفاتت هیچ‌کس آگاه نیست  
چشم ندارد خلاف هر که درین دام رفت  
دیبای جمال تو به بازار برآمد

## پاسخ نامه‌بسته‌تستی ستایش و درس ۱

۱۷ حکیم سنایی غزنوی، نویسنده «کارنامه بلخ»، «حدیقة الحقیقه»

و «سیرالعباد» است.

۳۸ گزینه (۱): الوان: لون - گزینه (۲): مواعظه: موعظه - گزینه

(۴): اسرار: سر

۱۹ خدایا، چه چیزی ز عدد بیرون است؟ نعمت

نکته: دقت کنید که برای یافتن «نهاد» در هر جمله، پرسش‌های

«چه کسی، چه کسانی، چه چیزی، چه چیزهایی» از فعل یا کل جمله

پرسیده می‌شود و در جواب، «نهاد» دیده می‌شود.

۲۱ الوان: رنگ‌ها، عنب: انگور، مستمع: شنونده، لیل: شب

۴۲ حیران: سرگردان، حیرت‌زده

۳۳ کیوان: سیاره زحل - برنا: جوان - یاقوت: سنگ گران‌قیمت -

گوی: گردی، گلوله، کره

۳۴ ملکا: ای پادشاه

۳۵ بنیان‌گزار: بنیان‌گذار

۳۶ خار: خوار، در این گزینه معنی پستی و حقارت مورد نظر

است که باید واژه «خوار» نوشته شود.



۲۱۰ (۱) چه (۲) معرفت این است که من در آنم (۳) هر چه نباید.  
**نکته:** برای یافتن مفعول، باید فعل جمله را خوب بشناسیم. برخی فعل‌ها فقط با مفعول معنای کاملی می‌یابند. «فعل‌های گذرا به مفعول» در متن پرسش فعل‌های: «می‌گویم، و دور کنم» گذرا به مفعول هستند. با پرسیدن پرسش‌های «چه کسی را، چه چیزی را، چه کسانی را، چه چیزهایی را» از فعل گذرا به مفعول، «مفعول» یافته می‌شود.

۳۱۱ مفعول این متن: «افسار اسب» است؛ زیرا تنها فعل «گذرا به مفعول» در این متن فعل «کشید» است. «چه چیزی را کشید؟» هسته: در یک گروه اسمی نخستین اسم «هسته» است. «افسار اسب» هسته

۲۱۲ شاهنامه در قالب «مثنوی» سروده شده است. با نگاهی به قافیه بیت‌ها، می‌بینیم که فقط مصراع‌های گزینه (۲) هم‌قافیه نیستند. در قالب مثنوی، هر بیت قافیه مستقل دارد. به بیان دیگر، هر دو مصراع یک بیت، هم‌قافیه هستند.

۳۱۳ این دو واژه «نهار، بهار»  
 (۱) در پایان دو مصراع یک بیت هستند (۲) آهنگ یا حروف مشترک دارند. (۳) معنای متفاوت دارند، پس قافیه هستند. همچنین: (۱) حروف هم‌جنس دارند (فقط یک اختلاف) (۲) معنای مختلف دارند. (۳) در یک بیت به‌کار رفته‌اند، پس جناس هستند.

۲۱۴ گزینه (۱): اکوان بسان ابر آذاری - گزینه (۳): من چو عود - خال هندو، خالی که مانند هندیان سیاه است. گزینه (۴): رنگ رخ یاسمین، چو زر

۲۱۵ «چو» در گزینه (۲) «ادات تشبیه» است. در سایر گزینه‌ها «ادات تشبیه» دیده نمی‌شود.

۴۱۶ گزینه (۱): تحمل کردن - گزینه (۲): چکیدن (در اشک و باران) - گزینه (۳): روشنی دادن - گزینه (۴): در تشبیه «باغ جان» ویژگی مشترک جان و باغ «تازگی و سرسبزی» (کنایه از طراوت) است که به نادرست، مقابل بیت «قصد کردن» نوشته شده است.

۲۱۷ در «خندیدن گل» صفت و ویژگی خندیدن به گل نسبت داده شده است. (منظور از لطف در بیت اول، لطافت است.)

۴۱۸ (۱) تو مثل سروی (۲) تو مثل لاله‌ای

(۳) تو مثل حوری

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه (۱): (۱) عمر به ابر (۲) دیده به سیل

گزینه (۲): (۱) چون سایه مرغان

گزینه (۳): (۱) من مانند نخلم (۲) من مانند ویران (ویرانه)

۲۱۹ در «فراش باد صبا»، باد صبا به فراش (فراش‌گستر) تشبیه شده است.

۳۲۰ در تشبیه «زلف بر روی تو» مانند «دود بر روی آتش» دود بر آتش «مشبه‌به» است.

۱۲۱ «چون» دام تست است که نگاه دانش‌آموز را به خود برمی‌گرداند. در این گزینه «همچون» ادات تشبیه است.

۴۲۲ گزینه (۱): آهو، مشکین، نافه

گزینه (۲): قیام، رکوع، سجود

گزینه (۳): سال، ماه، شب، روز - می‌فروش، پیاله

۱۲۳ تشبیه: تو چو بنفشه - جان‌بخشی: سر غفلت در پیش داشتن بنفشه و بیدار بودن نرگس - مراعات‌نظیر: بنفشه، نرگس

۴۲۴ مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳): همه موجودات ستایش خدا می‌کنند.

۳۲۵ **مفهوم بیت پرسش و گزینه (۳):** هر دو به عجایب آفرینش خداوند و ناتوانی عقل بشر از درک آن‌ها اشاره دارد.

گزینه (۱): توصیه به عبادت - گزینه (۲): اشاره به ستم دیدن مردم دانا - گزینه (۴): توصیه به هوشیاری و عبادت و شناخت خدا

۴۲۶ ترجمه عبارت «عبرت‌ها چه بسیارند و عبرت‌پذیران اندک» است. این معنا در بیت گزینه (۴) دیده می‌شود. آفرینش برای آگاهی (عبرت) انسان است.

۲۲۷ در آفرینش خدا خطا و اشتباهی نیست. خداوند حکیم با علم محیط خود، ماه و خورشید و لیل و نهار (مجازاً همه خلقت) را به اندازه‌ای که لازم و کافی بود، آفرید.

۲۲۸ **مفهوم مشترک بیت پرسش و گزینه (۲):** ناتوانی در شناخت خداوند

